

آخرین باشگاه کتابخوانی

ویل شوالبی

ترجمه حمید هاشمی کهندانی

www.ketab.ir



کتاب کوله‌پشتی

www.ketab.ir

سرشناسه	: شوالبی، ویل Schwalbe, Will
عنوان و نام پدیدآور	: آخرین باشگاه کتابخوانی / ویل شوالبی: ترجمه حمید هاشمی کهندانی.
مشخصات نشر	: تهران: کتاب کوله‌پشتی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۰ ص.
شابک	: 978-600-461452-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: The End of Your Life Book Club, 2014.
موضوع	: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۱ م.
موضوع	: American Fiction -- 21st Century
شناسه افزوده	: هاشمی کهندانی، حمید، ۱۳۶۳ -، مترجم
رده‌بندی کنگره	: PS۳۶۱۳
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۳/۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۳۹۹۴۲۱



کتاب کوله‌پشتی

آخرین باشگاه کتابخوانی

ویل شوالبی

ترجمه حمید هاشمی کهندانی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۱-۴۵۲-۸

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

ویراستار: سارا بحری

صفحه‌آرا: آتلیه کوله‌پشتی

طراح جلد: احمد شهبازی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

انتشارات کتاب کوله‌پشتی

تلفن: ۶۶۵۹۷۶۱۳ - ۶۶۵۹۴۸۱۰

پست الکترونیک: Koolehposhti-pub@yahoo.com

وبسایت: www.ketabekoolehposhti.com

اینستاگرام: ketabekoolehposhti

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان کارگر جنوبی، کوچه مهدیزاده، پلاک ۷، واحد ۱۰۲-۱۰۴

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

فهرست

۹	یادداشت نویسنده
۱۱	رسیدن به جان پناه
۱۷	دیدار در سامرا
۳۹	هفتاد سطر در مورد پوچی
۶۲	مارجوری مورنینگ استار
۷۵	هائیت
۱۰۲	قدرت روزانه برای نیازهای روزانه
۱۲۱	اهل کتاب
۱۳۴	«من غصه هستم»
۱۴۲	کتابخوان عجیب
۱۵۳	قفس مارمولک
۱۵۸	برات فارار
۱۶۷	رانش قاره‌ها
۱۸۵	نقاب رنگین
۱۹۴	در کلیسای جامع
۲۰۶	هرجا روید مقصد همان جاست
۲۲۱	کوکورو
۲۲۸	قیمت نمک
۲۴۰	بنیادگرای ناراضی
۲۴۶	سال تفکر جادویی
۲۵۴	آلیو کیتريچ
۲۶۷	دخترانی مثل ما

یادداشت نویسنده

در این کتاب اتفاقاتی را روایت می‌کنم که هنگام وقوعشان، نمی‌دانستم قرار است روزی در موردشان بنویسم و به همین دلیل بعضی از آنها را از یاد برده بودم و موقع نوشتن کتاب، مجبور شدم از اعضای خانواده و دوستانم کمک بخوام. در مواردی نیز به نوشته‌هایی رجوع کرده‌ام که برایم مانده بود، نظیر مقاله‌ها، فهرست‌ها، سخنرانی‌ها یا نامه‌هایی که مادر در موقعیت‌های مختلف نوشته بود، ایمیل‌هایی که به همدیگر می‌دادیم و نیز وبلاگی که می‌نوشتیم. شاید در ترتیب زمانی برخی اتفاقات اشتباه کرده و بعضی مکالمات را درست ثبت نکرده باشم؛ چون تلاطم بیشتر این بوده که روح حرف‌هایمان را ثبت کنم و به درستی بگویم بین ما چه گذشت. به همین دلیل خیلی ضرورتی به رعایت ظاهر تک‌تک کلمات احساس نکردم. مادرم همیشه می‌گفت: «تو فقط تلاش خودت رو بکن، به غیر از این کاری نمی‌شه کرد.» امیدوارم توانسته باشم این کار را بکنم.